

نیازسنجی از نیازهای فراغتی دانش آموزان دختر و پسر عضو سازمان دانش آموزی شهر تهران^۱

دکتر فریبا سیدان^۲

چکیده

سنجش نیازهای فراغتی، گامی اساسی در جهت برنامه‌ریزی توسعه آموزشی و تربیتی به‌شمار می‌آید. نیازهای آموزشی یکی از دروندادهای نظام آموزشی است که مبنای اساسی طرح‌ریزی، اجرا و ارزیابی نظامها قرار می‌گیرد. پژوهش پیش‌روی، به روش پیمایشی و با حجم نمونه برابر با ۴۰۰ دانش آموز عضو سازمان دانش آموزی، ۲۰۰ دختر (فرزانگان) و ۲۰۰ پسر (پیشنانان)، انجام شده است که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل در مقاطع ابتدایی (چهارم و پنجم)، راهنمایی و دبیرستان بودند. یافته‌ها نشان می‌دهند که دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، نیازی مبرم به فعالیتهای فراغتی دارند. مهم‌ترین نیازهای فراغتی دانش آموزان عضو سازمان دانش‌آموزی، به‌ترتیب اولویت، شامل نیاز به گردشگری، نیاز به برگزاری جشن و مراسم، نیاز به فعالیتهای مشارکتی، فعالیتهای ورزشی، فعالیتهای فرهنگی، فعالیتهای مذهبی و فعالیتهای هنری است. فاصله وضع موجود و مطلوب، درمورد تمام نیازهای فراغتی، مقادیری منفی داشته و دانش آموزان مطالباتی بیش از وضع موجود دارند. همچنین رابطه میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش آموزان و نیازهای فراغتی آنان معنادار است و دانش آموزان محروم به فعالیتهای گردشگری، ورزشی، مشارکتی، فرهنگی و شرکت در مراسم و جشنها و مراسم مذهبی بیش از دانش آموزان با پایگاه اجتماعی بالا و متوسط نیاز دارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احساس نیاز پسران به اغلب فعالیتهای فراغتی مانند گردشگری، فعالیتهای ورزشی و برگزاری گردهمایی، جشنها و مراسم بیش از دختران بوده و احساس نیاز دختران به فعالیتهای هنری بیش از پسران بوده است. از پیشنهادها پژوهش تاکید بر اهمیت فعالیتهای فوق‌برنامه برای دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش، انجام دادن یک نیازسنجی جامع و کامل برای ایجاد یک استراتژی کلان و مشخص در سطح کشور، تربیت مربیان آموزش‌دیده و به‌کارگیری مربیان توانمند، فراهم کردن فرصتهای برابر برای استفاده مناسب از اوقات فراغت، رفع آسیبهای برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان در بی‌توجهی به طبقات و مناطق محروم و حمایت مالی از آنها، رفع بی‌توجهی به تفاوتهای جنسیتی دختران و پسران در برنامه‌ریزیهای مربوط به اوقات فراغت، توجه به برگزاری اردوهای گردشگری، توسعه و ارتقای مهارتهای ورزشی و سواد حرکتی، تدوین برنامه‌های تشویقی کتابخوانی، تشویق به فعالیتهای هنری و ایجاد باشگاههای متنوع هنری، تشکیل باشگاهها و انجمنهای کارآفرینی و حرفه‌آموزی، افزایش مشارکتهای اجتماعی، تمرکز بر فعالیتهای گروهی اخلاق-محور و پرورش و رشد ایده‌های معنوی و اخلاقی دانش‌آموزان است.

کلیدواژگان: اوقات فراغت، دانش‌آموزان، پسران، دختران، فعالیتهای فوق‌برنامه، سازمان دانش‌آموزی، آموزش و پرورش

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۳

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که در پژوهشکده خانواده و مدرسه پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انجام گرفته است.

f.seyedan@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)

مقدمه

مفهوم فعالیتهای فوق برنامه دانش آموزان در مدارس با مفاهیم دیگری مانند فعالیتهای خارج از مدرسه نوجوانان، آموزش در فضای باز و آموزش برای گذران اوقات فراغت دانش آموزان (ضیایی چمگرانی، ۱۳۸۵)، برنامه مکمل درسی، فراتر از کلاس و اجتماعی کردن دانش آموزان و نوجوانان و یکپارچه سازی در ارتباط بوده و در برخی از موارد با آنها همسویی داشته است. اهمیت این پدیده به ویژه در میان نوجوانان دانش آموز، به سبب گذران دوران جامعه پذیری و رشد، نحوه اوقات فراغت دارای اهمیتی دوچندان است، چنانکه در دوران کنونی، اوقات فراغت سازمان یافته به بخشی نهادی از مؤسسات آموزشی و مدارس و لازمه دوره نوجوانی و جوانی، به عنوان مکمل فعالیتهای آموزشی در مدارس، دروس و آموزشهای رسمی و جایگزینی برای اشتغال تمام وقت این گروههای اجتماعی تبدیل شده است. سنجش نیازهای فراغتی دانش آموزان نیز گامی اساسی در جهت برنامه ریزی توسعه آموزشی و تربیتی به شمار می آید. در دهه های اخیر در کشور ما، رشد جمعیت، به ویژه در گروههای سنی نوجوان و جوان نسبت به سایر گروهها شدیدتر شده است و از چالشها و تنگناهای اساسی موجود در زمینه اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، کم توجهی به نیازهای فراغتی آنان از طریق برنامه های دستگاههای اجرایی است. همچنین فقدان تقسیم کار ملی منسجم، مدون و برنامه ریزی شده در زمینه گذران اوقات فراغت و کمبود امکانات و منابع فراغتی متناسب با نیازهای جوانان، توزیع نامتناسب امکانات و فضاهای فراغتی در سطح کشور و محدود بودن برنامه های فراغتی به فضاها و دوره های زمانی خاص، روزآمد نبودن و رشد کند صنعت فراغت کشور و نامتعادل بودن سهم بخش دولتی و غیردولتی خصوصی در برنامه های فراغتی نوجوانان و جوانان از مشکلات اساسی در این زمینه است. براساس مصوبات هیئت وزیران (۱۳۸۴) غلبه کردن گذران اوقات جوانان در فضاهای مجازی، افزایش گرایش به استفاده از برنامه های فردی گذران اوقات فراغت، پایین بودن نسبی سطح رفاه اجتماعی و پایین بودن سطح آگاهی خانواده ها و جامعه از تاثیرات اوقات فراغت در بهره وری و افزایش سلامت عمومی و روانی نوجوانان، از تهدیداتی است که باید به رفع آن همت گماشت. در این زمینه در بسیاری از اسناد مهم کشوری مانند بند چهارم سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، در آفاق ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰ ساله)، برخورداری از سلامت، رفاه و تامین اجتماعی، فرصتهای برابر و بهره مندی از محیط زیست مطلوب مهم انگاشته شده است. همچنین مفاد بند ۱۵ سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه، بر فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی برای جوانان و تلاش در جهت رفع آسیبهای اجتماعی آنان و... مبتنی است. در

قانون چهارم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۲، نیز اهمیت و ضرورت توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه‌های فرهنگی و تفریحی، افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و ایجاد شوق و انگیزه و امید به آینده آنها مطرح شده است. در این زمینه، در سند ویژه فرابخشی ساماندهی امور جوانان (۱۳۸۴) مصوب هفدهمین جلسه شورای عالی جوانان برنامه دوم نیز برنامه ساماندهی اوقات فراغت جوانان طرح شده است. همچنین در ماده دوم اساسنامه سازمان دانش‌آموزی مصوب جلسه ۴۴۱ (مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۱)، از جمله اهداف تأسیس سازمان دانش‌آموزی، برنامه‌ریزی برای استفاده مفید از اوقات فراغت دانش آموزان و آماده‌سازی آنان برای پذیرش مسئولیتهای فردی و اجتماعی است. موارد مذکور حاکی از اهمیت و ضرورت پژوهش در زمینه نیازهای فراغتی نوجوانان و فراهم کردن محیط مساعد رشد فکری و علمی برای جوانان و تلاش در جهت رفع آسیبهای اجتماعی آنان در حوزه‌های فرهنگی، تفریحی، افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و ایجاد شوق و انگیزه و امید به آینده و آماده‌سازی آنان برای پذیرش مسئولیتهای فردی و اجتماعی است. از این رو، این پژوهش با شناسایی نیازهای فراغتی نوجوانان عضو سازمان دانش‌آموزی و با تدوین نیازهای واقعی آنان، اقدامی عملی و مقدماتی در جهت برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت و ایجاد منابع فراغتی متناسب با نیازهای دانش آموزان است.

سؤالات پژوهش

۱. اولویتهای نیازهای فراغتی دانش آموزان عضو سازمان دانش آموزی به تفکیک مقطع تحصیلی کدام است؟
۲. فاصله وضع موجود و مطلوب سازمان دانش آموزی در زمینه نیازهای فراغتی دانش آموزان چه میزان است؟
۳. رابطه میان نیازهای فراغتی دانش آموزان عضو سازمان دانش‌آموزی با جنسیت و پایگاه اجتماعی آنان کدام است؟

پیشینه پژوهشی

در سالهای اخیر بسیاری از پژوهشگران به مطالعه درباره اوقات فراغت از ابعاد مختلف پرداخته اند. در این زمینه به مطالعه فعالیتهای فراغتی منحرفانه رابرتسون^۱ (۱۹۹۴)، به فعالیتهای فراغتی و پیشرفت تحصیلی برگین^۲ (۱۹۹۲)، به رابطه اوقات فراغت و شکل‌گیری هویت در جوانان

1. Robertson
2. Bergin

شاو و همکاران^۱(۱۹۹۵)، به رابطه اعتماد به نفس و اوقات فراغت فرهادی (۱۳۸۳) و کاظمی(۱۳۸۷)، بلومفیلد نیرا و باربر^۲(۲۰۱۲)، مک‌میکینگ و پورکایاستا^۳(۱۹۹۵)، به مشارکت در فعالیتهای فراغتی و فوق برنامه و افزایش بهداشت روانی در نوجوانان گیلمن^۴ و همکاران (۲۰۰۴) و کِر^۵ (۲۰۰۹) و به فعالیتهای فوق برنامه و تقویت ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی، ملی، زیبایی‌شناختی و معنوی کودکان آدامز و همکاران(۲۰۰۸) می‌توان اشاره کرد. از نظر برخی از پژوهشگران مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه با کاهش احتمال ترک تحصیل، کاهش میزان مصرف مواد مخدر و جرائم، افزایش رقابتهای میان- فردی و خودانگاره مثبت و معدل بالا، تعامل با مدرسه و با سلامت و بهداشت روان در بزرگسالی مرتبط است(پکینز، ۲۰۰۸، به نقل از امام‌جمعه و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳). موسوی(۱۳۸۸) و کیوانفر(۱۳۸۹) دریافتند که در مدارس مشکلاتی چون ناهماهنگی اهداف فعالیتهای فوق برنامه با اهداف آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی، اعمال سلیقه‌های شخصی در انجام دادن فعالیتهای فوق برنامه، توجه بیش از حد معلمان به تدریس کتابهای درسی و غافل شدن از ارتباط آموخته‌های دانش آموزان با محیط زندگی آنان، عدم علاقه دانش آموزان به شرکت در این گونه فعالیتها و ... وجود دارد. همچنین استودولسکا^۶(۲۰۰۶) نشان داد که فعالیت فراغتی افراد با پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد. همچنین قرشی میناآباد و میرواسع(۱۳۹۰) دریافتند که برگزاری اردو می‌تواند در غنی‌سازی اوقات فراغت دانش آموزان نقشی مؤثر داشته باشد. عباس‌زاده و همکاران(۱۳۹۲) نشان دادند که بی‌توجهی به اوقات فراغت، پیامدها و بازتابهایی نگران‌کننده مانند بیماریهای اجتماعی، روانی و انحرافات اجتماعی را در پی دارد. شاطریان و همکاران(۱۳۹۴) دریافتند که هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها بالاتر باشد، به همان میزان فعالیتهای فراغتی کودکان و نوجوانان افزایش می‌یابد و گذران اوقات فراغت آنها پربارتر می‌شود. در پژوهش میرمحمدتبار و همکاران(۱۳۹۴) پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن، تحصیلات فرد و رضایت از امکانات فراغتی، نسبت به سایر متغیرها، تأثیر بسیار بر گذران اوقات فراغت در ایران دارند. لطفی‌زاده(۱۳۹۱) دریافت پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر چگونگی گذران اوقات فراغت مؤثر و میان میانگین هر یک از انواع اوقات فراغت در میان دو گروه مردان و زنان تفاوتی معنادار وجود دارد. پژوهش

1. Shaw et al.
2. Blomfield Neira & Barber
3. McMeeking & Purkayastha
4. Gilman
5. Kerr
6. Stodolska

عبدالله‌زاده (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که دختران به رشته‌های هنری و کارهای دستی و پسران به رشته‌های ورزشی و رایانه بیشتر گرایش دارند. گارتون و پرات^۱ (۱۹۹۱) نشان دادند که جنسیت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در مشارکت و علاقه‌مندی به ورزش و فعالیت‌های گروهی است. کاظمی (۱۳۸۷) دریافت که زنان بیشتر از مردان به سبک‌های فراغتی مذهب-محور و هنر-محور و مردان بیشتر به فراغتهای ارزش-محور و سیاست-محور گرایش دارند. الهام‌پور و پاک‌سرشت (۱۳۸۲) نشان دادند که از نظر جنسیتی تفاوتی معنادار میان علائق پسران و دختران و نوع و مدت زمان پرداختن به این فعالیت‌ها دیده می‌شود. بنابراین در حوزه فراغت، زنان با کمبود زمان، فضاهای فراغتی و محدودیت گزینه‌های فراغتی مواجه اند. از نظر دمپسی^۲ مشارکت پایین زنان در حوزه‌های ورزش، فراغت و نظایر آن، دال بر این است که استثمار در یک حوزه تقویت کننده استثمار در سایر حوزه‌ها است و مجموع این استثمارها به صورت انباشته بر کیفیت زندگی زنان تأثیر می‌گذارد (دمپسی، ۱۹۸۹). مطالعات انجام شده در ایالات متحده امریکا نشان داد که مردان بیش از زنان در فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته داوطلبانه شرکت می‌کنند و بیش از زنان احتمال دارد به ورزش‌های منزلت‌آور و قدرتی روی آورند (مک‌کی^۳، ۱۹۸۶). گرین^۴ و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند که نقش‌های جنسیتی، نقشی مهم در مطالعات فراغت بازی می‌کنند و جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر طیف وسیعی از فعالیت‌های فراغتی مؤثر است (کلارک و کریچر^۵، ۱۹۸۵). یافته‌های صادقی و همکاران (۱۳۸۸) نیز بیانگر حضور و مشارکت زنان، بیشتر در فعالیت‌های هنری، تماشای تلویزیون و مطالعه آزاد کتاب است و رفتار فراغتی مردان، بیشتر در حوزه‌هایی مانند فعالیت‌های ورزشی، عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی، بازی و سرگرمی، گردش در پارک و طبیعت، رفتن به سینما، شرکت در کنسرت موسیقی، مطالعه روزنامه و مجله و استفاده از ویدئو و ضبط صوت است.

زمینه نظری پژوهش

به اعتقاد مربیان آموزش و پرورش علاقه و تلاش با آموزش درهم تنیده است. علاقه موجب توجه و درک می‌شود و بدون علاقه حرکت و پیشرفتی وجود نخواهد داشت (ثورنتون و نادینگز^۶، ۲۰۰۵). فعالیت‌های فراغتی و فوق برنامه، یکی از زمینه‌های رشد انعطاف‌پذیری کودکان و

1. Garton & Pratt

2. Dempsey

3. McKay

4. Green

5. Clark & Critcher

6. Thornton & Noddings

جوانان است و رشد عاطفی، روانی و اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد (متسآپلتو و پولکینن^۱، ۲۰۱۴). در این زمینه فعالیتهای فوق برنامه به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مدرسه به رسمیت شناخته شده و امروزه در جدول کاری مدارس، توجه به فعالیتهای فراغتی دانش آموزان افزایش یافته است (کلی، ۲۰۰۴). فعالیتهای فراغتی و فوق برنامه، فعالیتهایی قانونی اند که جزیی از برنامه‌های مدرسه به شمار می‌آیند و باتوجه به برنامه درسی تعیین می‌شوند (فاستر^۲، ۱۹۲۵). براساس رویکرد رشد مثبت نوجوانان^۳، هدف فعالیتهای فوق برنامه، ترویج رشد مثبت برای کودکان و نوجوانان است (مولینوئوو^۴، ۲۰۱۰، متسآپلتو و پولکینن، ۲۰۱۴). این رویکرد در پی درک چگونگی رشد موفق در نسل آینده و تقویت آن است (بنسون، اسکیلز، همیلتون و سسما^۵، ۲۰۰۶). رشد مطلوب جوانان با فرصتهایی مرتبط است که مدارس، انجمنها و دیگر محیطها برای کودکان فراهم می‌کنند و از طریق زمینه‌های مذکور، نوجوانان مهارتهای فیزیکی، فکری، روانی، احساسی و اجتماعی را می‌آموزند و با روابط گرم، پرورش می‌یابند و امکان یکپارچگی اجتماعی فراهم می‌شود. هنگامی که فعالیتهای فوق برنامه از کیفیت بالا برخوردار باشند، سبب رشد مطلوب نوجوانان می‌شود (ماهونی، لارسون، اکلز و لرد^۶، ۲۰۰۵). از این رو فعالیتهای فوق برنامه و تامین اوقات فراغت دانش آموزان، زمینه‌ساز رشد شخصیت و شکل‌گیری هویت آنان است و آنها را قادر می‌سازند که به مثابه عنصری فعال، خلاق و پویا در فرایند هویت‌یابی خود نقش داشته باشند. همچنین بسیاری از پژوهشها در زمینه فعالیتهای فوق برنامه بر رویکرد اکولوژیک^۷ تئوری سیستمهای برون‌فن‌برنر^۸ مبتنی هستند و تاثیرات گوناگون سیستمهای اکولوژیکی را بر رشد و جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان مورد تاکید قرار می‌دهند (برونفن‌برنر و موریس^۹، ۲۰۰۶). کودکان نه تنها از ویژگیهای محیط خانه و مدرسه متاثر می‌شوند، بلکه با کسب تجربه از فعالیتهای فراغتی خود، از تعاملات در این زمینه‌ها متاثر می‌شوند (فلچر، نیکرسون و رایت^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ پوسنر و وندل^{۱۱}، ۱۹۹۹). براین اساس رشد کودکان متاثر از فرصتها و فعالیتهای فراغتی محیط اکولوژیک خود است (متسآپلتو و پولکینن، ۲۰۱۴). فعالیتهای فراغتی و فوق برنامه مدارس به منظور حفظ انگیزه و ایجاد چالش در یادگیرنده، کسب تجربه در

1. Metsäpelto & Pulkkinen
2. Foster
3. Positive youth development approach
4. Molinuevo
5. Benson, Scales, Hamilton & Sesma
6. Mahoney, Larson, Eccles & Lord
7. Ecological approach
8. Bronfenbrenner
9. Morris
10. Fletcher, Nickerson & Wright
11. Posner & Vandell

فضای آزاد، درعین حال مرتبط با موضوعات درسی یادگیرنده، طراحی می‌شوند (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲). این گونه فعالیتها را فرایندی می‌دانند که طی آن نوجوانان پس از آنکه به طور آگاهانه یا غیر آگاهانه، ایده مربوط به شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت را از مجموعه ای از فیلترهای «اجتماعی» و تصمیم‌گیری گذرانند، در این گونه فعالیتها شرکت می‌کنند. فیلترهای اجتماعی شامل سن، جنس، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی و تحرک اجتماعی و فیلترهای تصمیم‌گیری شامل انگیزه، آگاهی از فرصت، وقت آزاد و هزینه هستند. از دیدگاه کارکردگرایان نیز، فعالیتهای فراغتی، بر جامعه‌پذیری و یادگیری ارزشها و هنجارها در کودکان و نوجوانان تاثیرگذارند و از نظر فرهنگی به حفظ و یکپارچگی نظام اجتماعی کمک می‌کنند (دومازی، ۱۳۵۲). فرد در زمان فراغت یا به صورت فعال و مشارکت‌جویانه به تولید و خلق پدیده‌های فرهنگی می‌پردازد یا منفعلانه، به بهره‌برداری از خدمات ارائه شده از سوی مولدان فرهنگ مشغول می‌شود (روشه، ۱۳۷۶). پدیده مذکور شیوه‌های گوناگون گذران اوقات فراغت، اجتماعی شدن و یادگیری ارزشهای اجتماعی را فراهم می‌آورد و نهادی اجتماعی است که ارزشهای اجتماعی را به افراد شرکت کننده منتقل می‌کند و کارکرد آن حفظ جامعه بزرگ‌تراست (جاروی و مگوایر^۱، ۱۹۹۴). از این نظر فعالیت فرهنگی در شکل ناب و خلاق آن به آفرینش و خلق فرهنگی منجر می‌شود (کوهستانی و خلیل‌زاده، ۱۳۷۸). اکثر کشورهایی که آموزش و پرورش موفق دارند با گسترش فعالیتهای فوق برنامه کاستیهای نظام آموزشی خود را تا اندازه ای جبران کرده و اوقات فراغت دانش آموزان را به بهترین وجه پر نموده اند (فتح‌آبادی، ۱۳۸۲). این برنامه‌ها زمینه‌های متنوعی دارند و نیازمند رسیدگی و توجه همیشگی مسئولان مدرسه اند تا فرصتهایی برای مشارکت دانش‌آموزان فراهم سازند (فردریکز^۲، ۲۰۰۸، به نقل از امام جمعه و همکاران ۱۳۹۲: ۳۵). فعالیتهای فوق برنامه را به سبب ماهیت‌شان که فرصتهای یادگیری را برای دانش آموزان فراهم می‌سازند می‌توان بخشی از برنامه درسی قلمداد کرد. از نظر برخی همانند سوئل^۳، برنامه درسی، فعالیتهای یادگیری برنامه‌ریزی شده است (سوئل، به نقل از ترنیکي، ۱۳۸۸: ۱۱). فرانسيس كلاین^۴ (۱۹۹۱) در آخرین سطوح برنامه درسی از برنامه درسی «تجربه شده» یا «برنامه درسی تجربی» سخن می‌گوید (به نقل از ترنیکي، ۱۳۸۸). پوزنر نیز پنجمین نوع برنامه درسی را برنامه درسی فوق برنامه معرفی می‌کند. این نوع برنامه درسی با توجه به ماهیت داوطلبانه و پاسخگو بودنش درقبال علایق و رغبتهای

1. Jarvie & Maguire

2. Fredricks

3. Sowell

4. Frances Klein

دانش آموزان، در نقطه مقابل برنامه درسی رسمی قرار می‌گیرد و اگرچه از لحاظ اداری کم اهمیت‌تر از برنامه درسی رسمی است، اما از بسیاری جهات مهم‌تر و مؤثرتر از آن است (فتیحی واجارگاه، ۱۳۸۶). شایان ذکر است که امام جمعه و همکاران (۱۳۹۲) عقیده دارند که هر فعالیت فوق برنامه همانند برنامه درسی، نخست در پی ایجاد فرصت‌های یادگیری است و همانند برنامه‌های درسی، دارای مراحل چون نیازسنجی، تعیین اهداف، تعیین محتوا، تعیین شیوه‌های اجرا و ارزشیابی است. همچنین فعالیت فوق برنامه نباید به رقابت با آموزش رسمی برخیزد، بلکه باید به کمک آن بیاید تا هر دو با هم در تربیت انسان و تحول جامعه موفق شوند (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

۱. فعالیتهای فوق برنامه و اوقات فراغت

فعالیت‌های فوق برنامه، فعالیت‌هایی قانونی است که جزیی از برنامه‌های مدرسه محسوب می‌شود و معمولاً با توجه به برنامه درسی تعیین می‌شود مانند: بحث و گفت و گو (مناظره)، تئاتر، انتشارات مدرسه. این برنامه‌ها زیر نظر مدرسه انجام می‌گیرد و با توجه به برنامه درسی سال تحصیلی تغییر می‌یابد (فاستر، ۱۹۲۵). در این پژوهش اوقات فراغت با نظر کاپلان و باتوجه به شیوه‌های جمعی و فردی و فعال و غیر فعال عملیاتی شده است. شیوه‌های فردی و فعال گذران اوقات فراغت شامل انجام دادن امور خیریه، بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، مطالعه، فعالیت‌های هنری، موسیقی و...، شیوه‌های جمعی و غیر فعال گذران اوقات فراغت شامل تماشای مسابقات ورزشی، گفتگو با افراد خانواده و... و شیوه‌های جمعی و فعال گذران اوقات فراغت شامل بازی و ورزش، رفتن به تئاتر، پیک‌نیک و مسافرت‌های جمعی، سیاحتی و زیارتی، گفتگو و دیدار با دوستان و اقوام و... است.

۲. نیازسنجی

برتن و مریل بر این باورند که نیازسنجی به طور کلی عبارت است از فرایندی نظام‌دار برای تعیین اهداف، شناسائی فاصله میان وضع موجود و هدفها و نهایتاً تعیین اولویتها برای عمل (برتن و مریل^۱، ۱۹۷۷: ۲۲). همچنین سوارز^۲ (۱۹۹۶) در تعریف نیازسنجی می‌گوید: نیازسنجی در زمینه تعلیم و تربیت فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات است که منجر به شناسایی نیازهای افراد، گروهها، مؤسسات، جامعه محلی و جامعه به طور کلی می‌شود. از این رو کاربرد اصلی نیازسنجی متمرکز بر شناسایی نیازهای دانش آموزان، نیازهای آموزشی ضمن خدمت معلمان و تعیین نیازهای آتی نظام آموزش محلی، منطقه ای و ملی است (فتیحی واجارگاه، ۱۳۸۲).

1. Burton & Merrill

2. Suarez

در رویکرد ترکیبی، آنچه میان وضع موجود و مطلوب قرارداد و آنچه ترجیحات، علایق و انتظارات افراد را شکل می‌دهد و سرانجام آنچه بر عملکردهای مطلوب اثر منفی دارد، همگی نشانگر نیازند و مورد سنجش قرار می‌گیرند. در این پژوهش به منظور سنجش نیازهای فراغتی دانش آموزان از رویکرد ترکیبی استفاده شده و برای عملیاتی کردن نیازهای فراغتی دانش آموزان، نیاز به عنوان یک خواست و ترجیح، فاصله میان وضع موجود و مطلوب و همچنین نوعی نقصان و کمبود در نظر گرفته شده است.

۳. ابزار گردآوری و سنجش متغیرهای پژوهش

در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. پس از تهیه پرسشنامه و پیش از اجرای نهایی برای ارزیابی پرسشنامه، پرسشنامه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری پیش‌آزمون شد و آلفای کرونباخ مطلوب گویه‌ها (بیش از ۰/۶) و حاکی از روایی پرسشنامه بود. همچنین برای توصیف و تحلیل نیازهای فراغتی دانش آموزان از آماره‌های توصیفی چون میانگین، توزیع فراوانی و از آماره‌های استنباطی چون آزمون فریدمن^۱ و آزمون اتا^۲ استفاده شد. ثبت داده‌ها و محاسبات گوناگون با نرم‌افزار آماری SPSS22 انجام گرفت.

۴. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه آماری شامل همه دانش آموزان دختر و پسر بود که در سال ۱۳۹۲-۹۳ مشغول به تحصیل در مقاطع ابتدایی (چهارم و پنجم)، راهنمایی و دبیرستان و عضو سازمان دانش آموزی و بالغ بر ۵۴۳۶۰۰ نفر بودند. از این تعداد از طریق فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر، ۲۰۰ دختر (فرزبانگان) و ۲۰۰ پسر (پیش‌تازان)، به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای^۳ بود که از انواع روش نمونه‌گیری غیراحتمالی^۴ است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{543600} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(2)^2 * 0.5 * 0.5}{(0.0025)^2}}{1 + \frac{1}{543600} \left(\frac{(2)^2 * 0.5 * 0.5}{(0.0025)^2} - 1 \right)} \cong 400$$

1. Friedman test

2. ETA

3. Quota sampling

4. Non-probabilistic

یافته‌های پژوهش

۱. اولویت‌های کلی نیازهای مطلوب فراغتی دانش آموزان عضو در سازمان دانش آموزی به تفکیک مقطع تحصیلی کدام است؟

در این پژوهش برای رتبه‌بندی نیازهای فراغتی دانش آموزان از آزمون فریدمن استفاده شده و نتایج این آزمون بیانگر رتبه‌بندی شاخصهای نیازهای فراغتی در وضعیت مطلوب در سطح معناداری (۰/۰۱) است. بررسی اولویت‌های مطلوب فراغتی دانش آموزان حاکی از آن است که مهم‌ترین نیازهای دانش آموزان عضو سازمان دانش آموزی برای پرکردن اوقات فراغت خود به ترتیب اولویت گردشگری (اولویت اول با میانگین ۲,۴۵۶)، نیاز به جشن و مراسم (اولویت دوم با میانگین ۲,۴۳۷)، فعالیتهای مشارکتی (اولویت سوم با میانگین ۲,۳۶۴)، فعالیتهای ورزشی (اولویت چهارم با میانگین ۲,۳۴۱)، فعالیتهای فرهنگی (اولویت پنجم با میانگین ۲,۳۲۱)، فعالیتهای مذهبی (اولویت ششم با میانگین ۲,۲۵۵) و فعالیتهای هنری (اولویت هفتم با میانگین ۲,۱۴۶) است (جدول ۱).

جدول ۱: اولویت‌بندی نیازهای فراغتی دانش آموزان بر اساس آزمون فریدمن

مقطع تحصیلی	مقطع ابتدایی	مقطع راهنمایی	مقطع دبیرستان	تمام مقاطع
رتبه بندی در وضع مطلوب	نیازها	رتبه بندی در وضع مطلوب	نیازها	رتبه بندی در وضع مطلوب
اول	گردشگری و اردو	۲,۴۱	گردشگری و اردو	۲,۴۵۶
دوم	برپایی جشن و مراسم	۲,۴۰۶	فعالیت مشارکتی	۲,۴۳۷
سوم	فعالیت مشارکتی	۲,۳۹	برگزاری جشن و مراسم	۲,۳۶۴
چهارم	فعالیت فرهنگی	۲,۳۷	فعالیت ورزشی	۲,۳۴۱
پنجم	فعالیت ورزشی	۲,۳۵۳	فعالیت فرهنگی	۲,۳۲۱
ششم	فعالیت مذهبی	۲,۲۹۸	هنر	۲,۲۵۵
هفتم	فعالیت هنری	۲,۲۳۷	فعالیت مذهبی	۲,۱۴۶
درجه آزادی	۶	۶	۶	۶
مقدار خی دو	۲۹/۴۱۱	۱۳۸/۸۴۸	۶۴۸/۱۱۸	۵۵/۷۴۲
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۱، نیاز به گردشگری و شرکت در اردو اولین اولویت دانش آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی و اولویت دوم دانش آموزان مقطع دبیرستان و اولویت اول همه مقاطع تحصیلی است. نیاز دانش آموزان به گردشگری در بسیاری از مطالعات نقشی مهم داشته است، مانند مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۸۸). در این پژوهش ۴۷/۳ درصد جوانان در یک سال پیش از بررسی حداقل یک بار در اردوها و تورهای گردشگری شرکت داشته یا به مسافرت رفته اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که از میان این افراد ۴۴/۵ درصد حداقل یک بار، ۲۳/۵ درصد دو بار و ۳۲ درصد سه بار و بیشتر به اردو و مسافرت رفته اند. همچنین در مطالعه ارزشها و نگرشهای ایرانیان، محسنی (۱۳۷۹) دریافت که برای ایرانیان یکی از مهم‌ترین فعالیتهای فراغتی که می‌تواند به شکل خانوادگی و معمولاً در ایام معینی از سال صورت گیرد، گردشگری و مسافرت است. قرشی میناآباد و میرواسع (۱۳۹۰) نیز دریافتند که تعداد کمی از دانش آموزان در اردوها شرکت داده می‌شوند و اردوها میزان کمی از اوقات فراغت دانش آموزان را دربرمی‌گیرند، درحالی که دانش آموزان تمایل بسیار به شرکت در اردوها در ایام فراغت خود دارند و تمایل دختران در این زمینه بیشتر از پسران است. در این پژوهش برپایی جشن و مراسم اولویت دوم دانش آموزان تمام مقاطع تحصیلی، اولویت دوم مقطع ابتدایی، اولویت اول مقطع دبیرستان و اولویت سوم مقطع راهنمایی بوده است. نیاز به فعالیت مشارکتی اولویت سوم کلی و نیز اولویت سوم مقطع ابتدایی است، درحالی که برای مقطع راهنمایی و دبیرستان به ترتیب اولویت دوم و اولویت چهارم است. اولویت کلی در نیاز فرهنگی اولویت پنجم است که در مقطع ابتدایی دارای اولویت چهارم و در مقطع راهنمایی اولویت پنجم و در دبیرستان اولویت پنجم است که نشانگر احساس نیاز و اولویت نسبتاً پایین فعالیتهای فرهنگی برای دانش آموزان است. اولویت کلی نیاز به فعالیت ورزشی چهارم است که برای مقطع ابتدایی نیاز ورزشی نیز اولویت پنجم، برای مقطع راهنمایی چهارم و برای مقطع دبیرستان نیز اولویت سوم است که نشانگر اولویت پایین نیاز ورزشی در مقاطع راهنمایی و ابتدایی است؛ درحالی که در مقطع دبیرستان و آغاز دوران نوجوانی اهمیت بیشتری یافته است. اولویت کلی نیاز مذهبی ششم است. برای مقطع ابتدایی نیاز به فعالیت مذهبی نیز اولویت ششم، برای مقطع راهنمایی هفتم و برای مقطع دبیرستان نیز اولویت ششم است که نشانگر اولویت پایین فعالیت مذهبی در تمام مقاطع است. همچنین اولویت نیاز به فعالیت هنری در تمام مقاطع، به جز مقطع راهنمایی که اولویت ششم است، آخرین اولویت یعنی اولویت هفتم است. نتایج سایر مطالعات همسو با یافته‌های این پژوهش مبنی بر آنکه فعالیتهای ورزشی و هنری در رده‌های آخر

اولویت فراغتی دانش آموزان بوده است نشان می‌دهد که اوقات فراغت اکثر ایرانیان با روشهای غیرفعالی چون استراحت در منزل و تماشای تلویزیون می‌گذرد. در حالی که ورزش کردن و فعالیتهای هنری و موسیقایی در رده‌های آخر قرار می‌گیرند (سفیری و مدیری، ۱۳۹۰). یافته‌های پژوهش لطفی‌زاده (۱۳۹۱) در تحلیل داده‌های طرح آماری گذران وقت جوانان در نقاط شهری ایران در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ (مرکز آمار ایران) نشان می‌دهد که ۱/۶ درصد جوانان کمتر از ۳۰ دقیقه، ۲/۱ درصد ۳۱ تا ۶۰ دقیقه، ۰/۹ درصد ۶۱ تا ۹۰ دقیقه، ۰/۹ درصد ۹۱ تا ۱۲۰ دقیقه و ۰/۳ درصد جوانان ایرانی در نقاط شهری ۱۲۰ دقیقه و بیشتر در روز ورزش می‌کنند. این یافته‌ها نشان از سهم اندک فعالیتهای ورزشی در پرکردن اوقات فراغت جوانان ایرانی دارد (لطفی‌زاده، ۱۳۹۱).

۲. فاصله وضع موجود و مطلوب سازمان دانش آموزی در زمینه نیازهای فراغتی دانش آموزان چه میزان است؟

همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، فاصله وضع موجود و مطلوب در همه موارد نیازهای فراغتی دانش آموزان ارقامی منفی است و نیازهای فراغتی دانش آموزان در محیط آموزشی مدارس و سازمان دانش آموزی کاملاً تامین نشده است و دانش آموزان دارای مطالباتی بیش از وضع موجودند. فاصله وضع موجود و مطلوب نیازهای فراغتی کلی دانش آموزان برابر ۰/۷۰۰۴- بوده و حاکی از آن است که احساس نیاز دانش آموزان به تامین اوقات فراغشان از سوی آن سازمان در همه شاخصهای مربوطه، بیش از تلاشهای صورت گرفته بوده است و نیاز به اقداماتی مطلوبتر دارد. فاصله وضع موجود و مطلوب (فاصله عملکرد سازمان دانش آموزی و نیاز فراغتی دانش آموزان عضو سازمان دانش آموزی) درمورد شاخصهای نیازهای فراغتی شامل نیازهای هنری برابر ۰/۸۷۴۶-، نیاز به گردشگری برابر ۰/۷۲۲-، نیاز به برگزاری جشن و مراسم برابر ۰/۶۷۸۵-، نیاز به فعالیتهای فرهنگی ۰/۶۲۱۲-، نیاز به مشارکتهای اجتماعی ۰/۵۷۰۵-، نیاز مذهبی ۰/۱۶۵۵- و نیاز به فعالیتهای ورزشی ۰/۵۴۶- است. در ایران به برنامه‌های درسی بیشتر از فعالیتهای فراغتی و فوق برنامه دانش آموزان توجه می‌شود. درحالی که در بسیاری از کشورها، زمان تخصیص یافته به این گونه فعالیتهای محدود نیست و از انعطاف‌پذیری برخوردار بوده و ممکن است ساعتها به طول بینجامد و اجرای فعالیتهای فوق برنامه چون پیش‌بینی فضاهای ورزشی و کتابخانه و... ممکن است (کیوانفر، ۱۳۸۹؛ امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲). این درحالی است که دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، نیازی مبرم به فعالیتهای فراغتی دارند. بررسی نیازهای فراغتی دانش آموزان حاکی از تنوع گسترده آنها در ابعاد مختلف گروهی، فردی، فعال و غیرفعال و به ترتیب اولویت

شامل نیاز به گردشگری، نیاز به فعالیت هنری، نیاز به پرپایی جشنها و مراسم، نیاز به فعالیت فرهنگی، نیاز به مشارکتهای اجتماعی، نیاز به فعالیتهای مذهبی و ورزشی بوده و همسوست با نظر متسپلتو و پولکینن (۲۰۱۴) که بر تنوع نیازها در میان نوجوانان از لحاظ اشتیاق، انگیزه، نگرش و ارزشهایی که برای علایق و فعالیتهای اوقات فراغت خویش قائل اند، تاکید کرده اند. توجه به بررسی نیازها و درک شیوههای تفکر نوجوانان در مورد اوقات فراغت و رفع محدودیتهای تحمیلی بر آنها، اهمیت بسیار در ارتقای برنامههای فراغتی دانش آموزان و تدوین برنامههای فوق برنامه آنها دارد.

جدول ۲: فاصله وضع موجود و مطلوب سازمان دانش آموزی در زمینه نیازهای فراغتی دانش آموزان عضو سازمان

نوع نیاز	آزمون	میانگین رتبه در وضعیت موجود	میانگین رتبه در وضعیت مطلوب	تفاوت میانگین	معناداری آزمون t
فعالیت هنری	۱/۷۵۲۷	۲/۶۲۷۳	-۰/۸۷۴۶	۰/۰۰۰	
فعالیت گردشگری	۱/۹۰۹۵	۲/۶۲۷۹	-۷۲۲۰	۰/۰۰۰	
برگزاری مراسم	۱/۸۲۷۵	۲/۵۰۶	-۰/۶۷۸۵	۰/۰۰۰	
فعالیت فرهنگی	۱/۸۵۶۱	۲/۴۷۷۳	-۰/۶۲۱۲	۰/۰۰۰	
فعالیت مشارکتی	۱/۸۶۵۱	۲/۴۳۵۶	-۰/۵۷۰۵	۰/۰۰۰	
فعالیت ورزشی	۱/۶۶۶۷	۲/۲۱۲۷	-۰/۵۴۶	۰/۰۰۰	
فعالیت مذهبی	۲/۱۸۹۰	۲/۳۵۴۵	-۰/۱۶۵۵	۰/۰۰۰	

۳. آیا میان نیازهای فراغتی دانش آموزان عضو سازمان دانش آموزی برحسب پایگاه اجتماعی و جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد؟

۳-۱. تفاوت نیازهای فراغتی دانش آموزان براساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی

در بسیاری از کشورها فرصتهای شرکت در فعالیتهای فراغتی نابرابر و فرصتهای دستیابی به فعالیتهای فراغتی محدود است (متسپلتو و پولکینن، ۲۰۱۴). در این پژوهش نیز در همه نیازهای فراغتی دانش آموزان، تفاوتی پایگاهی دانش آموزان مشهود است، چنانکه میانگین نیازهای فراغتی دانش آموزان با پایگاه اجتماعی پایین با نیازهای فراغتی دانش آموزان با پایگاه اجتماعی بالا تفاوتی معنادار داشته و اغلب از آنها بیشتر است. مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز به گردشگری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی نشان می دهد بین پایگاه و نیاز به گردشگری دانش آموزان رابطه معنادار (sig=۰,۰۰۱) وجود داشته و شدت این رابطه توسط آزمون اتا برابر ۰/۱۳۱ است.

میانگین نیاز به فعالیتهای گردشگری دانش آموزان پایگاه اجتماعی بالا (۲/۹۱۱)، متوسط (۳,۲۲۵) و پایین (۳/۷۷) است. این بدان معناست که دانش آموزان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین بیش از مناطق متوسط و بالا به فعالیتهای گردشگری، برای پرکردن اوقات فراغت خود

نیازمندند. در زمینه نیاز به فعالیت هنری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مقدار معناداری براساس آزمون (f) برابر ($\text{sig} = 0/001$) است. بنابراین میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نیاز هنری دانش آموزان رابطه وجود دارد و شدت این رابطه با آزمون (اتا) برابر ($0/138$) است. همچنین میانگین نیاز هنری پایگاه بالا برابر ($3/73$)، پایگاه متوسط برابر ($3/57$) و پایین برابر ($3/57$) بوده است و پایگاه بالا بیش از مناطق متوسط و پایین به فعالیت هنری، برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. در مورد رابطه نیازهای ورزشی و پایگاه، مقدار معناداری برابر ($\text{sig} = 0/0238$) بوده است و رابطه معنادار وجود دارد. همچنین میانگین نیاز ورزشی در دانش آموزان پایگاه پایین برابر ($3/73$)، پایگاه متوسط برابر ($2/71$) و پایگاه بالا برابر ($2/58$) بوده است و پایگاه پایین بیش از مناطق متوسط و بالا برای پرکردن اوقات فراغت خود به امکانات ورزشی نیازمندند. همچنین مقدار معناداری در آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز به مشارکتهای اجتماعی و پایگاه برابر ($\text{sig} = 0/002$) است. بنابراین میان نیاز دانش آموزان به انواع مشارکتهای اجتماعی و پایگاه دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. شدت این رابطه با آزمون (اتا) برابر ($0/173$) است. همچنین میانگین نیاز به مشارکت در دانش آموزان پایگاه پایین برابر ($2/880$)، پایگاه متوسط برابر ($2/718$) و پایگاه بالا برابر ($2/589$) بوده است و دانش آموزان پایگاه پایین بیش از مناطق متوسط و بالا، برای پرکردن اوقات فراغت خود به انواع مشارکتهای اجتماعی نیازمندند. در مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز به برگزاری مراسم و جشنها مقدار معناداری ($\text{sig} = 0/058$) بوده است و میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نیاز به برگزاری جشن و مراسم دانش آموزان رابطه وجود داشته است و شدت این رابطه با آزمون (اتا) برابر ($0/132$) است. همچنین میانگین این نیاز در پایگاه بالا برابر ($3/381$)، پایگاه متوسط برابر ($3/580$) و پایگاه برابر ($3/536$) است. مقدار معناداری رابطه میان نیاز به فعالیت مذهبی و پایگاه برابر ($\text{sig} = 0/012$) بوده است و میان پایگاه و نیاز دانش آموزان به فعالیت مذهبی دانش آموزان رابطه وجود دارد و شدت این رابطه توسط آزمون (اتا) برابر ($0/130$) است. همچنین میانگین نیاز فرهنگی پایگاه بالا برابر ($2/215$)، پایگاه متوسط برابر ($3/691$) و پایین برابر ($3/899$) است. این بدان معناست که دانش آموزان دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین بیش از دانش آموزان پایگاه متوسط و بالا به فعالیت فرهنگی برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز به فعالیت فرهنگی و پایگاه نشان می دهد که این رابطه معنادار ($\text{sig} = 0/000$) بوده است و شدت این رابطه با ضریب (اتا) برابر ($0/158$) است. تفاوت میانگین پایگاههای مختلف نشان می دهد که میانگین نیاز فرهنگی دانش آموزان پایگاه بالا

برابر (۲/۴۹۴)، پایگاه متوسط برابر (۳/۲۹۰) و پایین برابر (۳/۹۲۷) بوده است و دانش آموزان پایگاه پایین، بیش از دانش آموزان پایگاه متوسط و بالا به فعالیت فرهنگی، برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. به طور کلی در مناطق محروم ترتیب بیشترین نیاز فراغتی بر حسب ضریب شدت رابطه اتا، شامل مشارکتهای اجتماعی (اتا) برابر (۰/۱۷۳)، فعالیت فرهنگی برابر (۰/۱۵۸)، نیاز به برگزاری مراسم و جشنها برابر (۰/۱۳۲)، نیاز به گردشگری برابر (۰/۱۳۱) و نیاز به فعالیت مذهبی برابر (۰/۱۳۰) است. همچنین نیاز به فعالیت هنری در دانش آموزان پایگاه بالا بر اساس آزمون (اتا) برابر (۰/۱۳۸) بیش از دانش آموزان پایگاه متوسط و پایین است. همان گونه که گفته شد میزان و نحوه گذران اوقات فراغت منعکس کننده نابرابریهای اجتماعی است. از جمله دلایل این پدیده، مجموعه های فرصتی^۱ متفاوت در دسترس طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی است (معیدفر، ۱۳۸۳). در این زمینه بسیاری از پژوهشها نشان می دهند که گذران اوقات فراغت متأثر از پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان دستیابی افراد به منابع ارزشمند اجتماعی-اقتصادی است. در این زمینه مطالعه میرمحمدتبار و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اوقات فراغت، معنادار، مثبت و قوی است. هر قدر پایگاه اجتماعی دانش آموزان بالاتر باشد، افراد از امکانات فراغتی و اوقات فراغت غنی تر و مطلوب تر برخوردارند. استودولسکا (۲۰۰۶) نیز در مطالعه خود نشان داد فعالیت فراغتی افراد با پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد. در مطالعه صادقی (۱۳۸۸) نیز افراد دارای درآمد و طبقه بالاتر، سطح مشارکت بالاتری را در فعالیتهای فراغتی نسبت به افراد با درآمد و طبقه پایین تر داشتند. شاطریان و همکاران (۱۳۹۴) نیز دریافتند هر چه پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده ها بالاتر باشد، به همان میزان فعالیتهای فراغتی کودکان و نوجوانان افزایش می یابد و گذران اوقات فراغت آنها پربارتر می شود. همچنین میان میزان، نحوه و نوع فعالیت فراغتی کودکان مناطق تفاوتی معنادار وجود دارد. بنابراین تحقیق انجام شده کودکان و نوجوانان حاشیه نشین در زمان فراغت به دلیل تنگی معیشت و فقر فرهنگی خانواده، مجبور به کارکردن هستند و گاهی هم دچار انحرافات اجتماعی و مشکلات جسمی می شوند. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز دریافتند با افزایش بهره مندی جوانان از منابع و سرمایه های فرهنگی و اجتماعی، فراغت عادی افزایش و فراغت غیرعادی کاهش می یابد. در پژوهش لطفی زاده (۱۳۹۱) آشکار شد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد بر نحوه گذران اوقات فراغت آنان مؤثر است. نتایج پژوهش انصاری (۱۳۸۲) نیز نشان داد که درآمد و نوع شغل پدر،

میزان دسترسی فرد به امکانات و سطح تحصیلات والدین، با نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان ارتباط مستقیم دارد.

۳-۲. تفاوت نیازهای فراغتی دختران و پسران

یافته‌های این پژوهش حاکی از تفاوت نیازهای فراغتی دختران و پسران دانش آموز است، چنانکه احساس نیاز پسران اغلب به فعالیتهای فراغتی مانند گردشگری، ورزشی و برگزاری گردهمایی، جشنها و مراسم بیشتر از دختران است، درحالی که احساس نیاز دختران به فعالیتهای هنری بیش از پسران است. مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز گردشگری و جنس دانش آموزان نشان می‌دهد مقدار ($\text{sig} = 0/008$) بوده، بنابراین میان جنس و نیاز به گردشگری دانش آموزان رابطه وجود دارد. شدت این رابطه با آزمون (اتا) برابر ($0/112$) است. همچنین میانگین نیاز گردشگری دختران برابر ($3/1812$) و میانگین نیاز گردشگری پسران برابر ($3/527$) بوده است و پسران بیش از دختران به گردشگری، برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. مقدار معناداری آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز ورزشی و جنس برابر ($\text{sig} = 0/021$) بوده است و میان جنس و نیاز ورزشی دانش آموزان رابطه‌ای معنادار وجود دارد و شدت این رابطه با آزمون (اتا)، برابر ($0/098$) است. میانگین نیاز ورزشی دختران برابر ($3/141$) بوده و میانگین نیاز ورزشی پسران برابر ($3/272$) است. این بدان معناست که پسران بیش از دختران به ورزش، برای پر کردن اوقات فراغت خود نیازمندند. همچنین در مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز به برگزاری جشن و مراسم و جنس، مقدار معناداری برابر ($\text{sig} = 0/019$) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میان نیاز به برگزاری جشن و مراسم و جنس دانش آموزان رابطه وجود دارد. شدت این رابطه با آزمون (اتا) برابر ($0/134$) است. میانگین نیاز به برگزاری جشن و مراسم در میان دختران دانش آموز برابر ($27/217$) و دانش آموزان پسر برابر ($27/894$) بوده است و پسران بیش از دختران به برگزاری جشنها و مراسم برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. در این پژوهش مقادیر آزمون (f) مربوط به رابطه میان نیاز هنری و جنس برابر ($\text{sig} = 0/00$) بوده است و میان جنس و نیاز هنری دانش آموزان رابطه وجود دارد. شدت این رابطه با آزمون (اتا)، برابر ($0/184$) است. میانگین نیاز هنری دختران برابر ($3/716$) بوده و میانگین نیاز هنری پسران برابر ($3/538$) بوده است و دختران بیش از پسران به هنر، برای پرکردن اوقات فراغت خود نیازمندند. شایان ذکر است که در نیاز به فعالیتهای فرهنگی با معناداری ($\text{sig} = 0/216$)، فعالیتهای مذهبی مقدار ($\text{sig} = 0/069$) و فعالیتهای مشارکتی ($\text{sig} = 0/840$) تفاوتی معنادار میان دختران و پسران وجود نداشته است. در تأیید

یافته‌های پژوهش متذکر می‌شود که ادبیات اوقات فراغت و جامعه‌شناسی فراغت بیانگر نوعی تفاوت‌های جنسیتی درحوزه فراغت است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. علایق، سلیقه‌ها، خواسته‌ها و برداشت‌های مربوط به فعالیت‌های فراغت دختران و پسران، در دوران کودکی، در دوران خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (هی‌وود و همکاران، ۱۳۸۰). فرصت‌های شرکت در فعالیت‌های فراغتی نابرابر است و با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی خانواده و نابرابری‌ها تشدید شده و فرصت‌های دستیابی به فعالیت‌های فراغتی محدود می‌شود (متساپلتو و پولکینن، ۲۰۱۴). از نظر برخی از محققان توجه به زمینه‌های اجتماعی^۱ فراغت و ویژگی‌های جنسیتی افراد در درک معانی و رفتارهای فراغتی اهمیت دارند. برخی از دیدگاه‌های نظری بر نقش‌های جنسیتی، هویت‌ها، روابط اجتماعی و اجتماعی شدن تاکید می‌کنند و رابطه جنسیت با اوقات فراغت را رابطه‌ای تعاملی^۲ می‌دانند. به عبارت دیگر، رفتارهای مربوط به اوقات فراغت دختران و پسران و زنان و مردان، با هنجارهای اجتماعی و انتظارات از زنانگی، زن بودن، مادری یا مردانگی و داشتن قدرت فیزیکی، به عنوان یک هنجار اجتماعی مرتبط است (فرایزینگر^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). زنان و دختران یا پسران و مردان در زندگی روزمره و اوقات فراغت در سطوح مختلف چالش‌هایی را تجربه می‌کنند. در سطح فردی، زنان و دختران، مردان و پسران در برابر تبعیض، آزار و اذیت در محل کار، در مدرسه و در جامعه قرار می‌گیرند که با نگرش منفی به ناتوانی، می‌تواند مانعی در محدود کردن مشارکت در اوقات فراغت بوده و همچنین می‌تواند آزادی افراد، برای بیان خود و رشد هویت مثبت از طریق اوقات فراغت را محدود کند. پسرانی که به فعالیت‌هایی علاقه‌مندند که متناسب با فرهنگ‌های سنتی از تعاریف غالب مردانگی نیست، ممکن است به‌ویژه با احتمال انگ‌زنی دیگران روبه‌رو شوند (کیول^۴، جانسون و اسکراتون^۵، ۲۰۱۳). گارتون و پرات (۱۹۹۱) نیز دریافتند که جنسیت عاملی تعیین‌کننده در مشارکت و علاقه‌مندی به ورزش و فعالیت‌های گروهی است. در این زمینه نتایج اولین مطالعات ملی انجام شده در ایالات متحده آمریکا نشان داد که مردان بیش از زنان در فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته داوطلبانه شرکت می‌کنند و احتمال دارد که بیشتر از زنان به ورزش‌های منزلت آور و قدرتی روی آورند (مک‌کی، ۱۹۸۶). برخی از پژوهشگران معتقدند که مشارکت پایین زنان در حوزه‌های ورزش، فراغت و نظایر آن، دال بر این است که استثمار در یک

-
1. Societal contexts
 2. Interactive
 3. Freysinger
 4. Kive
 5. Scraton

حوزه تقویت کننده استعمار در سایر حوزه‌هاست و مجموع این استمارها، به صورت انباشته بر کیفیت زندگی زنان تأثیر می‌گذارد (دمپسی، ۱۹۸۹). در این زمینه گرین و همکاران (۱۹۹۰) بیش از دیگران به تأثیر جنسیت در اوقات فراغت، به عنوان ویژگی مهم برای توضیح «سرمایه داری پدرسالارانه» پرداخته اند. آنها به شکل‌گیری و محدود بودن فرصتهای تفریحی زنان توجه دارند. به زعم آنها نقشهای جنسیتی اهمیت بیشتری در مطالعات فراغت بازی دارند و جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر طیف وسیعی از فعالیتهای فراغتی مؤثر بوده است. کلارک و کریچر (۱۹۸۵) نیز در تأثیر جنسیت بر گزینش فرصتها و اوقات فراغت بیان می‌کنند که زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند، در بیشتر فعالیتهای فراغتی، کمتر مشارکت می‌کنند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین آنان بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده می‌گذرانند (به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۸). شایان ذکر است که همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های پژوهش عبدالله‌زاده (۱۳۸۴) نشان داد که دختران بیشتر به رشته‌های هنری و کارهای دستی گرایش دارند و پسران به رشته‌های ورزشی و رایانه بیشتر از دیگر رشته‌ها علاقه نشان می‌دهند. همچنین براساس یافته‌های اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۷) تفاوت‌های جنسیتی در نیازهای فراغتی دختران و پسران وجود دارد. در پژوهش کاظمی (۱۳۸۷) نیز زنان بیشتر از مردان به سبکهای فراغتی هنر-محور تمایل نشان دادند. با توجه به نابرابریهای جنسیتی در حوزه فراغت، مطالعه الهام‌پور و پاک‌سرشت (۱۳۸۲) نیز نشان داد که ویژگیهای فراغتی از نظر جنسیتی تفاوت‌های معنادار میان نوع علایق پسران و دختران را نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۸۸) نیز بیانگر وجود نابرابری جنسیتی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران است. این نابرابریها و تفاوتها در برخی از مقوله‌های فراغتی محسوس‌تر است. درحوزه‌های فراغتی که عمدتاً به فضای درون خانه محدودند، فعالیتهای هنری، تماشای تلویزیون و مطالعه آزاد کتاب، حضور و مشارکت زنان بیشتر از مردان بوده است. درمقابل، رفتار فراغتی مردان در حوزه‌های فراغتی که عمدتاً مسلتزم حضور در فضای عمومی جامعه و خروج از خانه است، مانند فعالیتهای ورزشی، عضویت و فعالیت در گروههای اجتماعی، پرداختن به بازی و سرگرمی و... بیش از زنان است.

بحث و نتیجه‌گیری

در نظام آموزش و پرورش ایران به برنامه‌های درسی بیشتر از فعالیتهای فراغتی و فوق برنامه دانش آموزان توجه می‌شود. درحالیکه در بسیاری از کشورها، زمان تخصیص یافته به این گونه فعالیتها محدود نیست و از انعطاف‌پذیری برخوردار است و امکان دارد ساعتها به طول بینجامد و

اجرای فعالیتهای فوق برنامه و پیش‌بینی اتاقهای موسیقی و نمایش، فضاهای ورزشی و کتابخانه، سالنهای غذاخوری و .. ممکن است (کیوانفر، ۱۳۸۹؛ امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، نیازی مبرم به فعالیتهای فراغتی دارند و فاصله وضع موجود و مطلوب در همه شاخصهای نیازهای فراغتی دارای ارقامی منفی است. این نیازها در محیط آموزشی مدارس و سازمان دانش آموزی کاملاً تأمین نشده و دانش آموزان دارای مطالباتی بیش از وضع موجودند. بررسی نیازهای فراغتی دانش آموزان حاکی از تنوع گسترده آنهاست و به ترتیب اولویت، شامل نیاز به گردشگری، نیاز به برگزاری جشن و مراسم، نیاز به فعالیتهای مشارکتی، فعالیتهای ورزشی، فعالیتهای فرهنگی، فعالیتهای مذهبی و فعالیتهای هنری است. از این رو همسو با نظر متسابلتو و پولکینن (۲۰۱۴) می‌توان دریافت باید بر تنوع نیازها در میان نوجوانان از لحاظ اشتیاق، انگیزه، نگرش و ارزشهایی که برای علایق و فعالیتهای اوقات فراغت خویش قائل‌اند، تأکید کرد. توجه و بررسی نیازها و درک شیوه‌های تفکر نوجوانان، در مورد اوقات فراغت و رفع محدودیتهای تحمیلی بر آنها، اهمیت بسیار در ارتقای برنامه‌های فراغتی دانش آموزان و تدوین برنامه‌های فوق برنامه آنها دارد. همچنین همسو با یافته‌های پژوهش نور (۱۳۸۵) بر ضرورت یک نیازسنجی جامع و کامل از نوجوانان دانش آموز و ارائه یک استراتژی کلان و مشخص در سطح کشور، به‌ویژه در وزارت آموزش و پرورش و سازمان دانش آموزی، که متولی برنامه‌های فراغتی این گروه اجتماعی است، می‌بایست تأکید نمود. سنجش نیازهای فراغتی دانش آموزان گامی اساسی در جهت برنامه‌ریزی توسعه آموزشی و تربیتی به شمار می‌آید، چراکه نیازهای آموزشی یکی از دروندادهای نظام آموزشی است که مبنای اساسی طرح‌ریزی، اجرا و ارزیابی سیستمها قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نیازهای فراغتی اقشار کم درآمد دانش آموزان با اقشار مرفه و متوسط تفاوت معنادار دارد. سرمایه‌گذاری در اوقات فراغت اقشار کم درآمد در مدارس، کودکان خانواده‌های به‌ویژه کم درآمد را با غنی‌سازی و فراهم‌سازی فرصتها برای شرکت در فعالیتهای مهیا می‌نماید. دانش آموزان مناطق محروم نسبت به سایر مناطق، نیاز بیشتری به فعالیتهای فراغتی مانند مشارکتهای اجتماعی، فعالیتهای فرهنگی، نیاز به برگزاری مراسم و جشنها، نیاز به گردشگری، نیاز به فعالیت هنری و نیاز به فعالیت مذهبی دارند. در این زمینه استودولسکا (۲۰۰۶) نیز نشان داد که فعالیت فراغتی افراد با پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد. در مطالعه صادقی (۱۳۸۸) نیز جوانان متعلق به طبقه اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی متوسط و به‌ویژه طبقه پایین، بیشتر به فعالیتهای

ورزشی و هنری، بازدید از اماکن و برنامه‌های فرهنگی، شرکت در مهمانی، بازی و سرگرمی، رفتن به پارک و گردش در طبیعت، مطالعه آزاد کتاب، مجله و روزنامه و استفاده از امکانات رسانه ای می‌پردازند. در پژوهش انصاری (۱۳۸۲) نیز عضویت و مشارکت در فعالیتهای فراغتی ارتباطی معنادار با پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش همسو با پژوهش عبدالله‌زاده (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که دختران به رشته‌های هنری و کارهای دستی گرایش دارند و پسران به رشته‌های ورزشی و رایانه بیش از دیگر رشته‌ها علاقه نشان می‌دهند. یافته‌های پژوهش حاضر مؤید یافته‌های اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۷) است که بر تفاوت‌های جنسیتی در نیازهای فراغتی دختران و پسران تاکید دارند. همچنین این یافته‌ها همسو با تحقیق گارتون و پرات (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که جنسیت عاملی تعیین‌کننده در مشارکت و علاقه‌مندی به ورزش و فعالیتهای گروهی است و مؤید نتایج پژوهش کاظمی (۱۳۸۷) است که دریافت زنان بیشتر از مردان به سبکهای فراغتی هنر-محور تمایل نشان می‌دهند. باتوجه به نابرابریهای جنسیتی در حوزه فراغت، یافته‌های این پژوهش مؤید مطالعه الهام‌پور و پاک‌سرشت (۱۳۸۲) است که دریافتند ویژگیهای فراغتی از نظر جنسیتی تفاوت‌هایی معنادار میان نوع علایق پسران و دختران را نشان می‌دهد. همچنین با تائید یافته‌های صادقی و همکاران (۱۳۸۸) می‌توان بیان نمود نابرابری در نیازها، الگوها و رفتارهای فراغتی دختران و پسران حاکی از آن است که رفتار فراغتی پسران و مردان در حوزه‌های فراغتی، عمدتاً مستلزم حضور در فضای عمومی جامعه و خروج ازخانه است و تمایل پسران به فعالیتهای ورزشی، عضویت و فعالیت در گروههای اجتماعی، پرداختن به بازی و سرگرمی، گردش در پارک و طبیعت، رفتن به سینما، شرکت در کنسرت موسیقی، مطالعه روزنامه و مجله بیشتر از دختران و زنان است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است دختران بیش از پسران به فعالیتهای هنری و صنایع دستی علاقه‌مندند و به آن می‌پردازند و درمقابل کمتر از پسران به شرکت در فعالیتهای اجتماعی، انجام فعالیتهای ورزشی و مشارکتهای اجتماعی تمایل دارند که این امر نشانگر محدودیت نقشهای اجتماعی دختران برای حضور در فضاهای اجتماعی، فضاهای باز ورزشی و استفاده از امکانات ورزشی است.

پیشنهاده‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش، در جهت بهبود نظام آموزشی کشور به‌ویژه فعالیتهای فوق برنامه از نظر اهداف، محتوا، شیوه‌های اجرا و ارزشیابی پیشنهادهایی ارائه شده است که عبارت اند از:

- تاکید بر اهمیت فعالیتهای فوق برنامه برای دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش، به جای یک نظام صرفاً آموزش-محور و دادن آموزش و آگاهی به خانواده ها و ممانعت از ایجاد آسیب و فشار روانی به دانش آموزان.
- انجام دادن یک نیازسنجی جامع، کامل و مستمر از دانش آموزان، مربیان، مدیران و اولیا در زمینه فعالیتهای فراغتی در طول سال تحصیلی و توجه به علایق و نیازهای دانش آموزان، به منظور ایجاد یک استراتژی کلان و مشخص در سطح کشور، برای برنامه های فراغتی دانش آموزان و اعضاء سازمان دانش آموزی. ارزیابی سالانه میزان موفقیت طرحهای فعالیتهای فوق برنامه (میزان پاسخ گویی به نیازهای دانش آموزان، میزان دستیابی به اهداف و نتایج برنامه های تدوین شده و مصوب) از والدین، دانش آموزان و مسئولان مدرسه به صورت نظرسنجی، بازدید از مدارس و گرفتن گزارش.
- طراحی و استفاده از برنامه های درسی فوق برنامه هدفمند و سازمان یافته، دقیق و دارای قابلیت اجرایی و تنظیم شده براساس زمانبندیهای مشخص برای تکمیل کردن برنامه های درسی و رسمی دانش آموزان.
- جلب مشارکت خانواده ها در توسعه و ارتقای نیازهای فراغتی و فعالیتهای فوق برنامه دانش آموزان.
- تهیه سرفصل و طرح درس اردویی، برای همه فعالیتهای اردویی، به منظور بازدهی علمی دانش آموزان و امکان بهره گیری و کارآیی دانش آموزان.
- تربیت مربیان آموزش دیده و بهره مندی از ظرفیت مربیان توانمند و متخصص و دارای آگاهیهای لازم در زمینه برگزاری اردوها و نحوه تعامل و همراهی با دانش آموزان و ایجاد جذابیتهای لازم برای آنان، متناسب با محتوا و برنامه های اردو.
- برگزاری اردوهای گردشگری، بازدیدها و سفرهای علمی مانند بازدید از موزه ها، نمایشگاههای هنری، مراکز تاریخی، پروژه های محلی. برگزاری اردوهای گردشگری طبیعی، کارگاهها و همایشهای زیست محیطی همانند زمین پاک، آب سالم با زمینه های مطالعاتی گیاهان، جانوران و حیات وحش، مراکز زیست محیطی و....
- جلب همکاری و حمایت سازمانها، از جمله همکاری سازمان جهانگردی و ایران گردی، شهرداری، وزارت ارشاد، سازمان میراث فرهنگی و... برای ساماندهی اردوها و بازدیدهای

دانش آموزان، معرفی جاذبه‌های گردشگری در اردوها به منظور غنی‌سازی اوقات فراغت دانش آموزان.

• هماهنگی برای برگزاری اردوها، همایشها و جشنواره‌های ورزشی همانند کوهپیمایی، دوچرخه‌سواری و.... تعیین زمان برگزاری جشنواره افتتاحیه و اختتامیه فعالیتهای فوق برنامه در طول سال تحصیلی و تابستان با حضور دانش آموزان، اولیا و مسئولان شورای آموزش و پرورش استان و نمایندگان سایر سازمانها در سطوح مختلف (استان، منطقه، مدرسه).

• تشکیل تیمهای ورزشی در مدارس و برگزاری مسابقات ورزشی داخلی مدارس و با سایر مدارس همجوار، حمایت از دانش آموزان مستعد در رشته‌های ورزشی و کمک به آنان تا در عرصه‌های ملی و بین‌المللی به موفقیت دست یابند.

• تدوین برنامه‌های تشویقی کتابخوانی برای جامعه‌پذیرکردن دانش آموزان با مطالعه و کتابخوانی، باتوجه به پایین بودن میزان تمایل دانش آموزان به مطالعه آزاد کتاب و مجلات، ایجاد سیاست‌گذاریهای لازم و برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات کتابخوانی و پژوهش در طول سال تحصیلی و تابستان...، تشکیل تیمهای کتابخوانی در مدارس، برگزاری اردوها و بازدیدها و سفرهای علمی و پژوهشی، مانند بازدید از مراکز علمی، کتابخانه‌ها، انتشارات مدرسه و برگزاری همایشها و کارگاههای علمی و پژوهشی.

• تشویق به فعالیتهای هنری و ایجاد باشگاههای متنوع هنری مانند آشنایی با موسیقی، نگارش خلاق، فیلم، نمایشنامه‌نویسی، تئاتر، هنرهای کارآفرین مانند قالی‌بافی، صنایع‌دستی و.... برگزاری کارگاه هنرمندان کوچک در مدارس باتوجه به نیازهای محلی و منطقه ای دانش‌آموزان.

• تشکیل و ایجاد باشگاهها و انجمنهای کارآفرینی و حرفه‌آموزی در مدارس مانند باغبانی، کشاورزی و ماهیگیری، آشپزی، صنایع‌دستی و....

• افزایش زمینه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای اجتماعی و عضویت در گروههای اجتماعی، نهادهای مدنی و سازمانهای غیردولتی، آموزش شهروندی دانش آموزان و برقراری ارتباط با مؤسسات و انجمنها و نهادهای مدنی به ویژه مراکز مربوطه در شهرداریه‌ها به منظور سرمایه‌گذاری و شرکت در فعالیتهای فوق برنامه. آماده کردن دانش آموزان به عنوان شهروندانی مسئول و فعال، توسعه و آموزش مهارتهای اجتماعی، تقویت حس همکاری،

- اجتماع‌پذیری، مسئولیت‌پذیری فردی و گروهی، آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی، توجه به منافع مشترک باوجود ارزشهای متفاوت و احترام به احساسات، عقاید و ایده‌های دیگران.
- درک ارزش سنت‌های فرهنگی، ادبی، تاریخی خود و دیگران، افزایش تجربیات فرهنگی، ترویج آگاهی فرهنگی، ایجاد سعه صدر در برابر فرهنگ‌ها و سنن دیگر و ...
- ایجاد انجمن‌های آگاهی‌ساز و مقابله با آسیب‌های اجتماعی درمیان دانش‌آموزان ازجمله اعتیاد و ...

- تمرکز بر فعالیتهای گروهی اخلاق-محور، پرورش و رشد ایده‌های معنوی، اخلاقی و دینی دانش‌آموزان و جلب فعالیتهای مشارکتهای دینی، تشویق به انجام فعالیتهای دادن خیریه مانند تکریم و خدمت درخانه‌های سالمندان و معلولان و پروژه‌های سازمانهای مردم‌نهاد (سمنها).
- فراهم کردن شرایط و فرصتهای برابر برای بهره‌مندی مناسب از اوقات فراغت برای هر دو جنس و درنظرگرفتن تفاوت‌های جنسیتی در برنامه‌ریزیهای مربوط به اوقات فراغت و ایجاد روحیه نشاط و امید.

- رفع آسیب‌های برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان در بی‌توجهی به مناطق محروم و روستاهای دورافتاده. ایجاد پایگاههای اوقات فراغت در روستاها و مناطق دورافتاده با توجه به نیازسنجی از دانش‌آموزان مناطق محروم و حمایت مالی از آنها. درنظرگرفتن یارانه‌ها و پرداخت هزینه‌های فعالیتهای فوق برنامه به دانش‌آموزان محروم مانند هزینه کلاسهای ورزشی، هنری، زبان و ... و تشویق و بازآموزی دختران درزمینه فعالیتهای فراغتی.

منابع

- آیین‌نامه اجرایی برنامه جامع ساماندهی اوقات فراغت جوانان. (۱۳۸۴). شماره : ۱۹۹۳۵ ت ۳۲۹۰۳ هـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان ملی جوانان.
- اساسنامه سازمان دانش آموزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۸). به نقل از شماره ۷۸/۴/۱۷-۱۵۸۳۲ روزنامه رسمی، شماره ۹۹۰. دش ۷۸/۳/۲۶، (مصوب جلسه ۴۴۱ مورخ ۷۸/۲/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران. (۱۳۸۷). سنجش نیازهای فرهنگی-اجتماعی دختران دانش آموز شهر اصفهان. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱ (۴۱)، ۹۷-۱۳۴.
- الهام‌پور، حسین و پاک‌سرشت، محمدجعفر. (۱۳۸۲). بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهیدچمران. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳ (۳ و ۴)، ۳۹-۶۲.
- امام‌جمعه، سید محمدرضا؛ احمدی، غلامعلی و تیمورنیا، مهین. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی فعالیت‌های فوق برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای آمریکا، انگلستان و مالزی. *مجله علمی-پژوهشی پژوهش‌های برنامه درسی*، ۳ (۱)، ۶۵-۱۷.
- انصاری مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲). *اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی*، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ترنیک، مرتضی. (۱۳۸۸). نقش برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق برنامه در تبیین تربیت دینی از دیدگاه معلمان و مربیان پرورشی شهر قوچان در سال تحصیلی ۸۱-۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دومازه، ژوفر. (۱۳۵۲). *زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه*، ترجمه م. آدینه. *مجله فرهنگ و زن*-گی، ۱۲ (۱۳-۲۳).
- روشه، گی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات نیان.
- سفیری، خدیجه و مدیری، فاطمه. (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۸ (۳۸)، ۱۴۵-۱۶۶.
- سند نهایی چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. (۱۳۸۲). پایگاه اطلاع رسانی دولت. قابل بازیابی از: www.dolat.ir
- شاطریان، محسن؛ دلفان، معصومه و رشنو، خیرالنسا. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی نحوه گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ساکن مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر خرم آباد در سال ۱۳۹۳. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۵ (۱۵)، ۶۳-۹۴.
- صادقی، رسول؛ بلالی، اسماعیل و محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۰ (۳۹)، ۳۵۷-۳۸۹.
- ضیایی‌چمگرانی، مرتضی‌علی. (۱۳۸۵). بررسی مدیریت و کیفیت کلاسهای مکمل و فوق برنامه مدارس دوره راهنمایی استان اصفهان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ طرح پژوهشی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

عباس‌زاده، محمد؛ مبارک بخشایش، مرتضی و معروف‌پور، مینا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر نقده (۹۰-۱۳۸۹). فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰ (۳۸)، ۱۲۶-۱۶۱.

عبدالله‌زاده، خلیل‌الله. (۱۳۸۴). مقایسه میزان رغبت دانش آموزان دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به فعالیتهای کانون‌های فرهنگی- تربیتی آموزش و پرورش. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات استان سمنان. فتح‌آبادی، محمدباقر. (۱۳۸۲). ضرورت و چگونگی ایجاد فعالیتهای فوق برنامه از دیدگاه دانش آموزان، اولیاء و مربیان دوره متوسطه شهرستانهای استان مرکزی در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی.

فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی آموزشی ضمن خدمت کارکنان. تهران: سمت. (۱۳۸۶). _____ . برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی. جلد اول. تهران: انتشارات آییژ.

فرهادی، شهریار. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر فعالیت در شورای دانش آموزی بر عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش آموزان مدارس راهنمایی (عادی-دولتی) در شهرستان کرج در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

قادرزاده، امید؛ قادرزاده، هیرش و حسن‌پناه، حسین. (۱۳۹۴). بسترها و منابع گذران فراغت جوانان (مطالعه پیمایشی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال استان کردستان). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴ (۴)، ۶۳۷-۶۶۱. قرشی مینا‌آباد، محمدباسط و میرواسع، سیده طیبه. (۱۳۹۰). نقش اردو در غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۲ رشت). چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۶ (۱۶)، ۹۹-۱۱۴.

کاظمی، محسن. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر فعالیتهای فوق برنامه بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانهای شهرستان دماوند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن. کوهستانی، حسینعلی و خلیل‌زاده امینان، علی‌اصغر. (۱۳۷۸). پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن. مشهد: انتشارات تیهو.

کیوانفر، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی و تحلیلی اوقات فراغت و فعالیتهای فوق برنامه مدارس ابتدایی در کشورهای ایران و آمریکا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

لطفی‌زاده، سعید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه وضعیت گذران اوقات فراغت جوانان شهری با پایگاه اقتصادی- اجتماعی. مجله بررسیهای آمار رسمی ایران، ۲۳ (۱)، ۲۳-۵۳.

محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی ایرانیان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۱). آمارگیری از ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع رسانی. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۲)، ۱۷۹-۲۰۰.

موسوی، سیدروح ... (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی فعالیتهای فوق‌برنامه در مدارس ابتدایی ایران، آلمان و ژاپن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

میرمحمدتبار، سید احمد؛ نوغانی‌دخت بهمنی، محسن و مسلمی، رقیه. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت (فراتحلیلی از پژوهش‌های موجود). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۲۴)، ۱۶۵-۱۹۴.

نور، آذر. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی چگونگی اوقات فراغت جوانان ایرانی با کشورهای آمریکا و ژاپن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

هی‌وود، لس و همکاران (۱۳۸۰). اوقات فراغت، ترجمه محمد احسانی. تهران: امید دانش.

Adams, N.G., Shea, C.M., Liston, D.D., & Deever, B. (2008). *Learning to teach: A critical approach to field experiences*. New York: Routledge.

Benson, P.L., Scales, P.C., Hamilton, S.F., & Sesma, A. Jr. (2006). Positive youth development: Theory, research, and applications. In R. M. Lerner & W. Damon (Eds.), *Handbook of child psychology. Vol. 1, Theoretical models of human development* (6th ed., pp.894-941). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

Bergin, D. A. (1992). Leisure activity, motivation, and academic achievement in high school students. *Journal of Leisure Research*, 24(3), 225-239.

Blomfield Neira, C., & Barber, B. (2012). Exploring the positive peer and identity experiences occurring in Australian adolescents' leisure activities. *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, 29(1), 44-51.

Bronfenbrenner, U., & Morris, P. (2006). The bioecological model of human development. In R. M. Lerner & W. Damon (Eds.), *Handbook of child psychology. Vol. 1, Theoretical models of human development* (6th ed., pp. 793-828). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

Burton, J.K., & Merrill, P.F. (1977). Needs assessment: Goals, Needs and Priorities. In Briggs, L.J. (Ed.), *Instructional design: Principles and applications* (pp. 21-45). Englewood Cliffs, NJ: Educational Technology Publications.

Clark, J., & Critcher, C. (1985). *The devil makes work: Leisure in capitalist Britain*. London: Mcmillan Press.

Dempsey, K. (1989). Women's leisure, men's leisure: A study in subordination and exploitation. *The Australian and New Zealand Journal of Sociology*, 25(1), 27-45.

Fletcher, A. C., Nickerson, P., & Wright, K. L. (2003). Structured leisure activities in middle childhood: Links to well-being. *Journal of Community Psychology*, 31(6), 641-659.

Foster, C.R. (1925). *Extracurricular activities in the high school*. Richmond, VA: Johnson Pub. Co.

Freysinger, V., Shaw, S., Henderson, K., & Bialeschki, D. (Eds.). (2013). *Leisure, women, and gender*. State College, PA: Venture Publishing, Inc.

Garton, A. F., & Pratt, C. (1991). Leisure activities of adolescent school students: Predictors of participation and interest. *Journal of Adolescence*, 14(3), 305-321.

Gilman, R., Meyers, J., & Perez, L. (2004). Structured extracurricular activities among adolescents: Findings and implications for school psychologists. *Psychology in the Schools*, 41(1), 31-41.

- Green, E., Hebron, S., & Woodward, D. (1990). *Women's leisure, what leisure: A feminist analysis*. London: Macmillan.
- Jarvie, G., & Maguire, J. (1994). *Sport and leisure in social thought*. London: Routledge.
- Kelly, A.V. (2004). *The curriculum theory and practice*. London: Sage Publications.
- Kerr, B. (2009). *Encyclopedia of giftedness, creativity, and talent*. A Sage Reference Publication.
- Kivel, B. D., Johnson, C. W., & Scraton, S. (2009). (Re)Theorizing leisure, experience and race. *Journal of Leisure Research*, 41, 473-493.
- Mahoney, J. L., Larson, R. W., Eccles, J. S., & Lord, H. (2005). Organized activities as development contexts for children and adolescents. In J. L. Mahoney, R. W. Larson, & J. S. Eccles (Eds.), *Organized activities as contexts of development: Extracurricular activities, after school and community programs* (pp. 3-22). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- McKay, J. (1986). Leisure and social inequality in Australia. *The Australian and New Zealand Journal of Sociology*, 22(3), 343-367.
- McMeeking, D., & Purkayastha, B. (1995). "I can't have my mom running me everywhere": Adolescents, leisure and accessibility. *Journal of Leisure Research*, 27(4), 360-378.
- Metsäpelto, R.-L., & Pulkkinen, L. (2014). The benefits of extracurricular activities for socioemotional behavior and school achievement in middle childhood: An overview of the research. *Journal for Educational Research Online*, 6(3), 10-33.
- Molinuevo, B., Bonillo, A., Pardo, Y., Doval, E., & Torrubia, R. (2010). Participation in extracurricular activities and emotional and behavioral adjustment in middle childhood in Spanish boys and girls. *Journal of Community Psychology*, 38(7), 842-857.
- Posner, J. K., & Vandell, D. L. (1999). After-school activities and the development of low-income urban children: A longitudinal study. *Developmental Psychology*, 35(3), 868-879.
- Robertson, B. J. (1994). Leisure in the lives of male adolescents who engage in delinquent activity for excitement. *Journal of Park and Recreation Administration*, 12(4), 29-46.
- Shaw, S. M., Kleiber, D. A., & Callwell, L. L. (1995). Leisure and identity formation in male and female adolescents: A preliminary examination. *Journal of Leisure Research*, 27(3), 245-263.
- Stodolska, M. (2006). Transnationalism and leisure: Mexican temporary migrants in the U.S. *Journal of Leisure Research*, 38(2), 143-167.
- Suarez, T. M. (1996). Needs assessment studies. In Anderson (Eds.), *International encyclopedia of teaching*. Pergamon Press.
- Thornton, J. S., & Noddings, N. (2005). *Teaching social studies that matters: Curriculum for active learning*. New York: Teachers College Press.

